

از "آ" به "خ"

حکایتی و روایت نامه‌ها

جان بر جر / رجه‌ی ندا احمدی

سرشناسه: برگر، جان، ۱۹۲۶ م. Berger, John

عنوان و نام پدیدآور: از «آ» به «خ» (حکایتی به روایت نامه‌ها) / جان برگر؛ مترجم ندا احمدی.

مشخصات نشر: تهران: حرفه نویسنده، ۱۳۹۴.

مجموعه: حصاد غاهری: ۲۰۸ / ص.

فروتن: داستان کوتاه و بلند

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۱۰۰۰۷-۰

وضعیت فهرست نویسی: سی‌پی‌ای مختصر

یادداشت: فهرست نویسی: کس این ا در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: From A to X: a story in letters

شناسه افزوده: احمدی، ندا، ۱۳۶۲ مترجم

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۷۲۴۳۶

حرفه نویسنده

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۱۷-۱۴۱۱۵

Email: nerfehnevisandeh@yahoo.com

از "آ" به "خ"

حکایتی به روایت نامه‌ها

هنر، ادبیات، فلسفه / ۱۲

دبیر و سرپرست مجموعه: فرشید آذرنگ

چاپ و صحافی: معرفت

چاپ اول: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۱۰۰

طراحی گرافیک: نوس‌نگاه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

یا...شت دبیر مجموعه

مجموعه کتاب‌هایی که در نیت‌های ادبیات و فلسفه منتشر می‌شود چندان حول موضوع، مفهوم یا مضمون شخصی مثل ناشی، پست مدرنیسم یا زندگی روزمره نمی‌گردد بلکه بیشتر گزینش و انتشار کتاب‌هایی است که نویسنده‌ی ممتازی داشته‌اند یا آثار متمایزی بوده یا چنین به نظر می‌آیند؛ آثاری بارز و راهگشا و دست‌کم مفید و خواندنی که نمونه‌ای قابل اتکایی از سخن گفتن در باب موضوع خود به دست می‌دهند؛ نوشته‌هایی که در عین اهمیت‌شان از نظرها مغفول مانده یا در تکرار مدام نام‌شان، بی‌اثر و بی‌ضرر نبوده‌اند؛ آثاری که عمدتاً یا به لحاظ کمی یا کیفی یگانه‌اند و بی‌همتا. این‌ها را انتخاب کتاب‌ها، جمع‌آوری مقالات، تطبیق و بازخوانی ترجمه‌ها و تالیفات، طبعاً برای آن‌ها برای انتشار و این که همگی‌شان به مرور در یک فضای کلی و اضطراب‌ناش شریک باشند که آن هم مرزبندی میان ابتذال و جدیت است عمده‌ترین سهم و وظیفه‌ی سرپرست و همکاران مجموعه است.

البته این سعی پیشاپیش ادای احترامی است به قرن نوزدهم و جنی فون وستفالن.

نامه‌هایی که توسط جان برجر جمع آوری شدند

سال گذشته وقتی زندان جدید شهر سوس با آن سیستم امنیتی پیشرفته بر فراز تپه‌های شمالی شهر افتتاح شد، زندان قدیمی بسته و متروکه شد.

آخرین زندانی سلول ۷۳ زندان قدیمی، کنار دیوار، پشت تخت خوابش، با جعبه‌های خالی سیگار یک ردیف قفسه ساخته بود و با نرچرب قرص و محکم چسبانده بود به دیوار. هر قفسه می‌توانست چند دسته پاکت نامه را در خود بگنجاند. چند دسته نامه در سه تا از این قفسه‌ها پیدا شد.

نوری که روزی از آن دریچه‌ی کوچک گرد به داخل سلول می‌تابید، کم‌تر از آن بود که آن قفسه‌ی دیوار را روشن کند. سلول ۲/۵ در ۳ متر با ارتفاع ۴ متر.

یک راهروی بزرگ با پنجره‌های نرده‌کشی شده و شیشه‌های مات این بخش زندان را به سالن اجتماعات، که به نوبت می‌مانست وصل می‌کرد. در آنجا وسایل آشپزی خیلی ابتدایی، یک شیر آب، یک تلویزیون، تعدادی نیمکت و میز دیده می‌شد؛ و یک سکوی بلند برای نگهبان‌های مسلح زندان. آخرین زندانی سلول ۷۳ که به اتهام ریاست شبکه‌ی تروریستی به دو بار زندان ابد محکوم شده بود «خاویر» نام داشت و این نامه‌ها برای او پست شده بودند.

با خواندن نامه‌ها می‌شد فهمید که نامه‌ها به ترتیب نظم داده‌اند. آیداً - اگر این اسم اصلی‌اش باشد - نامه‌ها را با سال تاریخ‌گذاری مرتب کرده بود، فقط روز و ماه. معلوم است که این نامه‌نگاری سال‌های زیادی ادامه داشته است. من و «آر» به جای این که نامه‌ها را با استفاده از حدس و گمان منظم کنیم، سعی کردیم به ترتیبی که خاویر نامه‌ها را چیده بود احترام بگذاریم و

به همان صورت اینجا بیاوریمشان. بعضی اوقات خاویر پشت نامه‌های آیدا چیزهایی نوشته است (آیدا هیچ‌وقت هر دوروی ورق چیزی نمی‌نوشته). آن‌ها را هم در این کتاب آورده‌ایم، البته سعی کردیم شکل تایپ کردنشان متفاوت باشد.

واضح است که آیدا نمی‌خواست در نامه‌ها به فعالیت‌های سیاسی زندگی خودش اشاره‌ای بکند. با این حال به نظر می‌رسد گاهی اوقات نتوانست جلوی خودش را بگیرد و اشاراتی نکند. به نظرم می‌آید منظور او از اشاره به بازی ورق در بعضی نامه‌ها همین بوده است. شك دارم که اصلاً ورق بازی کرده. در همین راستا مطمئناً اسم نزدیکان و مکان‌ها را هم تغییر داده است.

از آنجا که خاویر و آیدا ازدواج نکرده بودند، آیدا مجوز ملاقات خاویر را در زندان نداشت.

تعدادی نامه هست که در آنجا هیچ‌وقت برای خاویر پست نکرد. بعضی اوقات از اول می‌دانستم که می‌واهد این نامه را بفرستد، در مواردی هم بعد از نوشتن نامه، تصمیم گرفته نامه را پست نکند.

حالا این که این نامه‌های پست شده یا نشده چطور به دست من رسیده‌اند چیزی است که فعلاً بهتر است برای حفظ امنیت برخی اشخاص، محرمانه بماند.

نامه‌های فرستاده نشده هم روی همان کاغذهای آبی نوشته شده‌اند که نامه‌های فرستاده شده. آن‌ها را در پاکت‌هایی که به محرم می‌آمد گذاشته‌ام، اما اگر خواستید می‌توانید پاکت‌هایشان را عوض کنید. امروز، خاویر و آیدا هر جا که هستند، زنده یا مرده، در پناه خداوند باشند.